



اول با خودتان کنار بیایید

ابر و باد و مه و خورشید و فلک تلاش می‌کنند شما را ناامید کنند پس اگر در تصمیمتان قاطع نیستید سراغ این مسیر نیابید اما اگر عزمتان جزم است و بند کفشتان سفت اول تجربه خانواده‌های دیگر را بشنوید و بخوانید. به نظرم من از صدر تا ذیل دو صفحه مادر پرتقالی و فرزندخواندگی کودکان خاص را ببینید آنقدر حرف برای شنیدن دارند که یا مطمئنتان می‌کنند یا منصرف.



با خانواده‌هایتان حرف بزنید

خیلی‌ها می‌گویند که این تصمیم شخصی است. مگر برای تصمیم به چه دار شدن با کسی مشورت می‌کنیم یا اجازه می‌گیریم که اینجا هماهنگ کنیم اما این نگاه احتمالاً چندان عالی نیست. مسیری که شما انتخاب کرده‌اید یک مسیر عادی نیست و شما دارید کاری خلاف عادت اجتماع می‌کنید. در این مسیر اگر خانواده‌ها همراه نباشند گاهی طبعاتش را فرزند شما تحمل خواهد کرد. حق همه بچه‌هاست که بی‌حد و از همه اطرافیان‌شان عشق و محبت بگیرند پس سر این یک قلم نمی‌توانید قمار کنید.

آرام آرام تصمیمتان را بیان کنید، ابهاماتشان را بشنوید و پاسخ دهید و فرصت بدهید که موضوع در ذهنشان ته‌نشین و پذیرفته شود. احتمال همراه شدنشان بیشتر از تصور اولیه شماست.



فرزندپذیری
یک کار خیر
نیست پس اگر
برای کار خیر
سراغش آمده‌اید
اشتباه کرده‌اید.

فرزندپذیری
یک تصمیم
خودخواهانه
است مثل
فرزنددار شدن

از طریق زیستی،
ما پدر و مادر
می‌شویم چون
نیازش را در
وجودمان
احساس
می‌کنیم نه چون
او نیاز دارد



حالا بروید سراغ سامانه

اگر همه این مسیر را طی کرده‌اید به علاوه همه گام‌های دیگری که خودتان به ذهنتان آمد حالا مدارکتان را آماده کنید و بروید سراغ سامانه فرزندخواندگی بهزیستی گام اول را بردارید.

از ثبت‌نام تا آمدن فرزندان به خانه هم مسیر طولانی هم به لحاظ پیگیری هم به لحاظ زمانی پیش روی شماست اما اگر از من می‌پرسید لذتی که به دست می‌آورد قابل مقایسه با زحمتی که می‌کشید نیست. حالا من هر صبح با صدای کودکانه دخترم بیدار می‌شوم و می‌دانم که زندگی من بعد از خودم هم در دست‌های او ادامه خواهد داشت.

راستی هر جای این مسیر که کمکی از من بر می‌آید هم می‌توانید روی من حساب کنید و به من ایمیل بزنید. مطمئن باشید هر کاری بتوانم برایتان خواهم کرد.



اگر کفش آهنی ندارید سراغ فرزندپذیری نروید

۸ گام ثابت‌نام در سامانه فرزندخواندگی

علیرضا شاطری

Cherknevesht@gmail.com



فرزندپذیری نه تنها در جامعه ایران که در بسیاری از کشورها هنوز کار عجیبی است نه اینکه شخصاً وضعیت آن کشورها را دیده باشم اما از تولیدات رسانه‌ای و فیلم و سریال‌هایشان می‌توان فهمید که تلاش برای فرهنگ‌سازی از نیاز برآمده است. اما در ایران ماجرا آنجا پیچیده‌تر می‌شود که حتی این تلاش را هم به‌صورت سیستمی نمی‌بینیم. عملاً این بار فرهنگ‌سازی روی دوش مردم و سازمان‌های مردم نهاد است.

این‌ها و بسیاری حرف‌های دیگر را در جلسه با سعید بابایی گفتم، مدیرکل دفتر کودکان و نوجوانان سازمان بهزیستی کشور و عجیب اینکه با روی باز پذیرفت و شنید و ایده خواست برای بهتر کردن شرایط. اما بگذارید اندکی درد دل کنم مسیر فرزنددار شدن از طریق فرزندخواندگی در ایران و مشکلاتش آنقدر سخت است که اگر کفش آهنی و تصمیم قاطع نداشته باشید یا حتی اگر اندکی متزلزل باشید براحتی ناامید و بی‌خیال می‌شوید.

ساختار هیچ کمکی به شما نمی‌کند.

من و همسرم اولین باری که بعد از سال‌ها تحقیق و گرفتن تصمیم نهایی مراجعه کردیم به بهزیستی حقیقتاً شوکه شدیم. از در رفتیم داخل. یک اتاق چهارمیزه خسته بود با چهارخانم پشت میزها. همسرم پرسید ببخشید ما می‌خواهیم برای فرزندخواندگی اقدام کنیم باید از کجا شروع کنیم؟ انتظار شنیدن هر حرفی را داشتیم غیر از «برای چی می‌خواید اقدام کنید نمی‌خواه، اگه می‌خواید هم برید رو برد نوشته مسیر رو حالا هم بفرمایید بیرون.» شبیه آدم‌هایی بودیم که با ماهیتابه خورده توی صورتشان آمدم بیرون و رفتیم دنبال آشنا!

این شروع یک ماجرای سخت و پیچیده است.

تنوی آن جلسه با آقای بابایی از سنگ‌هایی که در مسیر بود که حرف زدم چشم‌هایش گرد شده بود نه اینکه نداند اما به این تیزی کسی برایش نگفته بود. من و همسرم وقتی چشم‌هایمان گرد شد که بخشی از قانون را توضیح داد که هیچ کدام از گرفت و گیرهای بهزیستی شهرستان تویش نبود

و فهمیدیم که چقدر دور خودمان بی‌خودی چرخیدیم و چقدر مسیر آمدن دخترکمان به خانه بی‌خودی طولانی شده است. این مقدمه را گفتم که بدانید مسیر بچه دار شدن از طریق فرزندخوانده چقدر سنگلاخ است.

حالا اگر تصمیم دارید این مسیر سنگلاخ را طی کنید این چند توصیه را بخوانید:



اول روان خودتان را درمان کنید

همه ما احتمالاً برای رفع و رجوع مشکلات گذشته و ته نشین شده‌مان نیازمند کمکیم و این وقتی مهم‌تر می‌شود که می‌خواهید پا در یک راه سخت بگذارید و مسئولیت زندگی یک کودک را بر عهده بگیرید. یک مادر و پدر سالم به لحاظ روانی هم خیلی وقت‌ها کم می‌آورند. اگر مشکل و گرهی داشته باشید که حتماً بیشتر اذیت خواهید شد.



تصویر ذهنیتان را کنار بگذارید

تصویری که خیلی از ما خانواده‌های فرزندپذیر می‌دهیم خیلی روتوش شده و زیبا است اما مطمئن باشید که ماجرا به این «گوگوریث» که ما می‌گوییم نیست. بچه‌های از مراکز آمده سختی‌های زیادی کشیده‌اند و الزاماً شبیه تصورات ما نیستند پس نیاز به التیام دارند. تصور نکنید که قرار است همه چیز گل و بلبل باشد.



یادتان نرود که کار خیر نمی‌کنید

فرزندپذیری یک کار خیر نیست. پس اگر برای کار خیر سراغش آمده‌اید اشتباه کرده‌اید. فرزندپذیری یک تصمیم خودخواهانه است مثل فرزنددار شدن از طریق زیستی. ما پدر و مادر می‌شویم چون نیازش را در وجودمان احساس می‌کنیم نه چون او نیاز دارد. ما و فرزندمان دو نیاز از هم را تأمین می‌کنیم پس طلبی از فرزندمان نداریم. ما نیاز به والد شدن داریم و او نیاز به والد داشتن.



قوانین را بخوانید

برای ما این خیلی طبیعی نیست که کتاب و متن قانون را بخوانیم اما این جا باید ترک عادت کنیم. مهم‌ترین سلاح شما در برابر سنگ‌اندازی‌های سیستم اداری بهزیستی همین قوانین است. اگر به آن مسلط باشید خیلی وقت‌ها می‌توانید حرفتان را به کرسی بنشانید.



یک مشاور کودک امین پیدا کنید

تربیت فرزند یک کار پیچیده است و داشتن یک متخصص در کنارتان باعث می‌شود مسیر راحت‌تر و کوتاه‌تر شود. بگردید دنبال مشاوری که تجربه و درک از فرزندخواندگی داشته باشد و یکی دو جلسه با او مشورت کنید تا با شرایط فرزندداری که قرار است در آینده به خانه‌تان می‌آید آشنا‌تر شوید.

